



آن سوی ایران

● عباس توکلی

■ تاریخ تجزیه بحرین از سرزمین‌های ایران

■ دکتر هوشنگ طالع

■ انتشارات سمرقند، ۱۳۸۶-۱۳۸۴؛ ۴۰۰ صفحه

دکتر هوشنگ طالع

تاریخی رفته است، که بسیار کلی است. البته در کتاب «چکیده تاریخ تجزیه ایران»، که در سال ۱۳۸۱ انتشار یافت، به صورت کلی به مسأله تجزیه بحرین از ایران پرداختم، اما در این جا به صورت بسیار جامع و با استفاده از اسناد و مدارک در ۴۰۰ صفحه به بررسی این واقعه تاریخی پرداخته شده است. منابع مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات و اسناد در این کتاب، مرکز اسناد وزارت امور خارجه، تمام اسناد محرمانه دولت بریتانیا در این رابطه، و مرکز اسناد دولت آمریکا در مسأله بحرین بود. نکته بسیار مهمی که در تدوین این کتاب کمک زیادی به من کرد، این بود که من یکی از نمایندگان حاضر در بیست و دومین دوره مجلس ملی بودم. در همین دوره از مجلس بود که نمایندگان با اکثریت آرا و تنها با ۴ رأی مخالف، به جداشدن بحرین از ایران موافقت کردند. من جزو آن چهار نفری بودم که با این مسأله مخالفت کردم. نزدیکی زیادی که با این موضوع داشتم، باعث شد بتوانم تحلیل درستی از موضوع داشته باشم و نوشته‌های من با دیگران تفاوت اساسی داشته باشد. این کتاب با نگاه ویژه به ایران بزرگ، که در آن زمان به «فلات ایران» مشهور بود، و پیوستگی بحرین با ایران می پردازد. قلمرو فرمان‌روایی دولت ایران، از چند هزار سال پیش تا دو سده اخیر، پهنه فلات ایران بود. فلات ایران یک واحد شناخته شده جغرافیایی در سطح جهانی است. مرزهای فلات ایران از شمال به کوه‌های قفقاز و رودخانه‌های آمودریا و سیر دریا؛ از خاوران، فلات پامیرو رود سند؛ از جنوب، اقیانوس هند و خلیج فارس و

مجموعه کتاب تاریخ تجزیه ایران، که تاکنون دو دفتر آن به چاپ رسیده است، به بررسی عواملی که باعث تجزیه سرزمین‌های ایران در دو دهه اخیر شده است، این مجموعه در شش دفتر به چاپ خواهد رسید که دفتر اول آن با عنوان «تلاش نافرجام برای تجزیه آذربایجان» در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. دفتر دوم این مجموعه که به تازگی انتشار یافته است، به «تاریخ تجزیه بحرین از سرزمین‌های ایران» می‌پردازد. دفتر سوم این مجموعه به تجزیه مرزهای غربی ایران از زمان شاه اسماعیل صفوی تا جنگ ایران و عراق، اشاره دارد. دفتر چهارم به «جدایی قفقاز از سرزمین ایران»، دفتر پنجم به «تجزیه شرق دولت ایران» و دفتر ششم به «تلاش برای وحدت و ایستادگی در برابر تجزیه» می‌پردازد. برای آشنایی هر چه بیشتر با مختصات این مجموعه دفاتر و کتاب جدید انتشار «تاریخ تجزیه بحرین در سرزمین‌های ایران»، با دکتر هوشنگ طالع نویسنده این مجموعه کتاب‌ها صحبت کردیم.

تجزیه بحرین از ایران به زبان نویسنده کتاب

جلد دوم مجموعه کتاب‌های تاریخ تجزیه ایران، به بررسی جدا شدن بحرین از سرزمین‌های ایران اشاره دارد. می‌توان گفت بحرین آخرین تجزیه‌ای است که در سرزمین‌های ایران صورت گرفته است. تاکنون کتابی در رابطه با تجزیه بحرین از ایران، به این گستردگی نوشته نشده است. اکثر تاریخ‌نگاران به این مسأله به صورت حاشیه‌ای نگاه می‌کنند و مسأله در برخی از کتاب‌های



قلمرو فرمان‌روایی دولت ایران، از چند هزار سال پیش تا دو سده اخیر، پهنه فلات ایران بود. فلات ایران یک واحد شناخته شده جغرافیایی در سطح جهانی است

از باختر به رودخانه فرات ادامه پیدا می‌کرد. این سرزمین پهناور بیش از چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت داشت. با آغاز سده نوزدهم میلادی، دولت ایران مورد یورش سازمان‌یافته استعمارگران اروپایی، یعنی امپراتوری‌های روس و انگلیس قرار گرفت و در زمانی کمتر از هفتاد سال، دولت ایران به وسیله این دو کشور تجزیه شد. از جمله قراردادهایی که در این مدت زمان، منجر به تجزیه ایران شدند، موارد زیر است:

- قرارداد گلستان (۱۸۱۳ م / ۱۱۹۲ خ): بر پایه این قرارداد، بخش‌هایی از سرزمین‌های قفقاز، به اشغال روس‌ها درآمد؛

- قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸ م / ۱۲۰۶): قرارداد تجزیه سرتاسری منطقه قفقاز؛

قرارداد پاریس (۱۸۵۷ م / ۱۲۳۵ خ): بر پایه این قرارداد، دیوار جدایی میان مردم ایران و افغانستان کشیده شد؛

قرارداد آخال (۱۸۸۱ م / ۱۲۶۰ خ): تجزیه سرتاسری سرزمین‌های خوارزم و فرارود و الحاق آن سرزمین‌ها به امپراتوری روسیه تزاری

در این کتاب سعی شده است که به تاریخ سرزمین بحرین و چگونگی جدا شدن این جزیره از ایران، توسط اسناد موجود پرداخته شود. آن چیزی که امروز به نام بحرین می‌شناسیم یک جزیره کوچک نیست. ناحیه بحرین یک ناحیه بسیار گسترده است که سرتاسر کرانه‌های باختری خلیج فارس را در برمی‌گیرد و از خلیج کاظمیه در جنوب بندر بصره، تا محل تلاقی شبه جزیره قطر به

جزیره العرب امتداد دارد. بحرین، در عصر هخامنشیان، به نام سرشناس‌ترین بندر آن، «گرا» خوانده می‌شد. از دوران اشکانی، رفته‌رفته نام «هگر» جایگزین «گرا» شد و در همه این دوران، ناحیه بحرین به نام «هگر» خوانده می‌شد. در آغاز دوران ساسانی، بندر نام‌آور «پنات اردشیر» (بنیاد اردشیر - بتن اردشیر)، در بحرین کرانه‌ای، روبه‌روی گله جزیره (مجمع الجزایر) بحرین ساخته شد. بخش جزیره‌ای بحرین، در دهانه خلیج «سیلوا» و در نزدیکی کرانه باختری شبه جزیره قطر واقع شده است. مجمع‌الجزایر بحرین از ۳۳ تا ۳۵ جزیره کوچک و بزرگ تشکیل یافته است. این مجمع‌الجزایر، در دوره ساسانی، به نام جزیره اصل و بزرگ‌ترین این مجموعه الجزایر «مشماهیک» نام داشت. گله جزیره بحرین، از دو گروه جزیره کوچک و بزرگ تشکیل شده است. نخستین گروه، از جزیره بزرگ بحرین و جزیره‌های کوچک‌تر دور و بر آن تشکیل شده و دومین گروه را جزیره‌های حواری نامند

آن چیزی که امروز به نام بحرین می‌شناسیم یک جزیره کوچک نیست. ناحیه بحرین یک ناحیه بسیار گسترده است که سرتاسر کرانه‌های باختری خلیج فارس را در برمی‌گیرد و از خلیج کاظمیه در جنوب بندر بصره، تا محل تلاقی شبه جزیره قطر به جزیره العرب امتداد دارد

سال ۱۳۴۲، دولت وقت گزارشی در مورد تجزیه بحرین به مجلس ارائه کرد و نمایندگان مجلس، دولت وقت را به خاطر هم‌گامی با تجزیه بحرین استیضاح کردند؛ که در آن شرایط، با توجه به حمایت انگلیس از جدایی بحرین از ایران و نفوذ انگلیس بر روی شاه، باعث شد دولت توسط مجلس منحل نشود و رأی مساعد را بیاورد. این امر باعث شد تا دولت ایران، به خاطر فشارهای انگلیس، مسأله بحرین را به رئیس وقت سازمان ملل واگذار کند تا نظر مردم را در رابطه با جدایی بحرین بسنجد. شاه و نمایندگان مجلس وقت، بر انجام همه‌پرسی در بحرین اصرار داشتند؛ ولی این مسأله با مخالفت انگلیس و شیوخ عرب مواجه شد؛ چراکه اگر همه‌پرسی انجام می‌شد، و مردم با جدایی از ایران مخالفت می‌کردند، نمی‌توانستند بحرین را از ایران جدا کنند؛ چرا که اکثر مردم بحرین خود را از ایران می‌دانستند. این بود که انگلیس برای انجام ندادن همه‌پرسی، آنقدر شاه را تحت فشار قرار داد که مجبور به انصراف از همه‌پرسی شد و پذیرفت که رئیس سازمان ملل، هر طور که می‌داند، نظر مردم بحرین را بپرسد. آقای ریچارد ایتالیایی، رئیس وقت سازمان ملل، هم لیستی از سازمان‌های زیر نظر شیوخ عرب را برای انجام نظرسنجی تهیه کرد. البته ریچارد با اسناد و گزارش‌هایی که ارائه داد، به صراحت بیان کرد که نمی‌توان به این ترتیب نظر مردم بحرین را درباره جدا شدن از ایران سنجید. چندین جلسه در مجلس برای تجزیه بحرین برگزار شد، که پس از رأی‌گیری، همه نمایندگان به غیر از ۴ نفر به جداسازی رأی موافق دادند. این رأی هم به خاطر شرایط آن زمان و تمایل شاه به جدا شدن این جزیره از خاک ایران بود. البته مصوبه مجلس قانونی نشد؛ چراکه طبق اسناد موجود و خاطرات وزیر دفاع دولت، این مصوبه مجلس به امضای شاه نرسید. تاریخ نشان

که شامل ۱۶ جزیره خالی از سکنه است. جزیره بحرین، از شمالی‌ترین نقطه آن در نزدیکی شهر منامه تا رأس البر در جنوبی‌ترین نقطه، ۴۷ کیلومتر و میانگین پهنا آن ۱۰ تا ۱۲ کیلومتر و پهنا آن ۳۳۵ کیلومتر مربع است. سرزمین بحرین در تقسیمات جغرافیایی سیاسی و تشکیلات اداری ایران، از عصر شاهنشاهی هخامنشی تا اوایل دوره صفوی (میان‌های پادشاهی تهماسب اول)، شامل هر دو بخش بحرین کرانه‌ای و گله جزیره می‌شد. این دو بخش، در مجموع یک واحد سیاسی و اداری را تشکیل می‌دادند؛ مثلاً در گذشته همه کرانه‌های جنوبی و جزایر خلیج فارس، تابع ایالت فارس بود. اما از سال ۱۵۵۱ میلادی، که نیروهای عثمانی بحرین کرانه‌ای را به تصرف خود درآوردند، بخش ساحلی آن از بخش جزیره‌ای جدا شد. از این زمان به بعد آن چه که به نام بحرین در تاریخ ایران از آن یاد می‌شود و کشور بحرین در آن قرار دارد، تنها در برگیرنده بخش جزیره‌ای بحرین، یعنی گله جزیره‌ای بحرین است.

سرزمین بحرین اولین جایی بود که به اسلام روی آورد و اولین قیام‌های ایرانیان در بحرین (برمتیان) برای غلبه بر سلطه اعراب در منطقه انجام شد. بحث بر سر بحرین، به دوران صفویان با آمدن پرتغالی‌ها به خلیج فارس، اشغال جزیره هرمز و بعد جایگزین شدن انگلیسی‌ها برمی‌گردد. بحث‌های کوتاهی در مورد این سرزمین، در دوران زند و افشار صورت گرفته است؛ اما بحث اصلی ما به دوره قاجار می‌پردازد که قسمت اعظم کتاب را به خود اختصاص داده است. اسناد و مدارک بسیاری در کتاب مربوط به دوره قاجاریه آورده شده است که در آنها به مالکیت ایران بر جزیره بحرین، تا جنگ جهانی اول، اشاره دارد. همان‌طور که می‌دانیم، با آمدن عثمانی‌ها ناحیه بحرین به همین جزیره محدود می‌شود. بخش دیگری از کتاب به اقدامات ایران پس از جنگ جهانی اول، از طریق سازمان ملل برای بازپس‌گیری بحرین اشاره دارد. حتی در زمانی که ایران در جنگ جهانی دوم توسط نیروهای متفقین اشغال شد، از ادعاهایش بر سر جزیره بحرین دست برداشت و مسئولان وزارت امور خارجه وقت، به دنبال به اثبات رساندن مالکیت ایران بر بحرین در جامعه بین‌المللی بودند. حتی در جلسه‌ای که هیأت دولت در سال ۱۳۳۶، با حضور محمدرضا شاه انجام داد، جزیره بحرین به عنوان چهاردهمین استان ایران اعلام شد. تا دوران تجزیه، به گونه‌ی نمادین دو کرسی از مجلس قانون‌گذاری وقت برای مردم بحرین و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس خالی بود. در بخش دیگری از کتاب، به کارهایی که برای تجزیه بحرین از ایران انجام گرفته، با توجه به اسناد و مدارک موجود، پرداخته شده است. در

سرزمین بحرین اولین جایی بود که به اسلام روی آورد و اولین قیام‌های ایرانیان در بحرین برای غلبه بر سلطه اعراب در منطقه انجام شد

رجال بسیاری در دوران قاجار و پهلوی در تجزیه ایران نقش داشتند و امتیازات بسیاری به خاطر چاپلوسی روسیه و انگلیس، دریافت کردند

می‌دهد که تجزیه در ایران بسیار اتفاق افتاده است، اما هیچ‌کدام از آنها به تصویب مجلس ملی نرسیده بود. این اولین بار بود که این اتفاق در تاریخ ایران می‌افتاد. این تجزیه در دوره نخست‌وزیری هویدا و وزیر امور خارجه دولت او، که **مظاهری** پسر سردار مظاهری، از عوامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد، انجام شد. هر دو می‌دانستند که این کار بسیار ننگین است؛ به همین علت هیچ‌کدام حاضر نبودند این لایحه را به مجلس ارائه کنند. حتی هویدا برای این که در مجلس حضور نداشته باشد، طوری برنامه‌ریزی کرد که در زمان رسیدگی به تجزیه بحرین از ایران در مجلس، در تهران حضور نداشته باشد. وی در آن روز به همراه **کاسه‌گین** وزیر امور خارجه روسیه برای بازدید به جزیره خارک رفته بود. اسناد زیادی موجود است که نشان می‌دهد شاه به همراه هیأت حاکمه، بدون هیچ دلیل و فشار مضاعفی حاضر شدند به جدا شدن بحرین از خاک ایران تن دهند. نام همه تصویب‌کننده‌های این لایحه ننگین در کتاب ذکر شده است. دولت ایران در جامعه بین‌المللی، گفت به شرطی جدایی بحرین را از سرزمین‌های ایران می‌پذیرد که شورای امنیت این مسأله را به تصویب برساند. وقتی که در جلسه رأی‌گیری، نماینده ایران حرفی برای گفتن نداشت، شورای امنیت به اتفاق آرا این مسأله را به تصویب رساند. **داریوش بیگی**، مدیر انتشارات سمرقند، در رابطه با هدف انتشار این کتاب و مشکلاتی که در انتشار این کتاب داشته است، گفت: درست است که دفتر ما در لنگرود قرار دارد، اما انتشارات سمرقند بیشتر در موضوع‌های مهم تاریخی و سیاسی فعالیت دارد و کمتر کتاب‌های محلی و استانی منتشر می‌کند. تدوین تاریخ فرهنگ ایران، ناشی از یک فکر مشترک من و دکتر طالع بود. ما ازدوران جوانی با هم آشنا بودیم و از اوایل دوران دبیرستان، این

کار را با بررسی جنگ‌های چندساله ایران و روس آغاز کردیم. انتشار کتاب «روابط ایران و انگلیس» اثر شادروان «محمود محمود»، نظر ما را به مطالعه در زمینه تاریخ تجزیه ایران، که در دو سده اخیر اتفاق افتاده است، جلب کرد. به همین خاطر، مطالعاتمان را در همین مسیر ادامه دادیم. جمع‌آوری منابع اطلاعاتی را از همان موقع شروع کردیم و چون سالیان سال به دنبال منابع بودیم، مشکلی در جمع‌آوری منابع نداشتیم. بعد از ۳۰ سال، مقداری از مطالب آماده شد، که به چاپ رساندیم. البته در این راه، دکتر طالع زحمت جمع‌آوری، ویرایش و نوشتن کتاب را برعهده گرفتند و بنده فقط کار چاپ این مطالب را انجام دادم. مجموعه تاریخ تجزیه ایران، در شش مجلد به چاپ خواهد رسید که تا کنون تنها مجموعه اول آن، با موضوع **قائله آذربایجان**، به چاپ رسیده و مجموعه دوم آن، با موضوع **تجزیه بحرین** از سرزمین‌های ایران، در حال چاپ است. مجوز مجموعه دوم از تاریخ تجزیه ایران، بسیار راحت بود و در عرض تنها یک ماه ونیم مجوز انتشار این کتاب را دریافت کردیم. برخلاف سایر کتاب‌ها که مجوز انتشار آنها حداقل سه ماه طول می‌کشد. هدف ما از انتشار این مجموعه، نشان دادن وحدت ایران، بزرگی فلات ایران و معرفی کسانی که در تجزیه فلات ایران نقش داشتند. منافع ملی بیشتر از هر چیز دیگری برای ما ارزش دارد. بسیاری از سرزمین‌های فلات ایران، در همین دو سده اخیر جدا شدند. هویت ملت‌های آنها با مردم ایران زمین پیوند خورده است. آنها نمی‌توانند ادعا کنند که از سرزمین ایران جدا هستند؛ چرا که تنها دو قرن است به ظاهر مستقل شده‌اند. مردم افغانستان، عراق، آذربایجان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نمی‌توانند خود را جدا از ملت ایران بدانند. تاریخ و گذشته آنان با نام و مردم ایران پیوند خورده است. دکتر «**اشرفیان بناب**»، استاد دانشگاه کمبریج، استخوان‌های باقی‌مانده در فلات ایران را، از نظر ژنتیکی، بررسی کرد و نتایج تحقیقات علمی ایشان نشان می‌دهد که DNA مردم فلات ایران شبیه یکدیگر است. رجال بسیاری در دوران قاجار و پهلوی در تجزیه ایران نقش داشتند و امتیازات بسیاری به خاطر چاپلوسی روسیه و انگلیس، دریافت کردند. ما اسامی تمامی این افراد را در مجموعه کتاب‌های تاریخ تجزیه ایران آورده‌ایم تا مردم و آیندگان بدانند که چه کسانی در تجزیه سرزمین ایران نقش داشتند. ما سعی کردیم بدون نگاه مغرضانه، نقش انگلیس را در تجزیه ایران، را بررسی کنیم. نگاهی به تاریخ حضور انگلیس در سرزمین‌های ایران می‌تواند به سیاست‌مداران ما در ارتباط با این کشور کمک بسیاری کند.